



فوازهایی از سخنان شیخ محمد تقی ذاکری دبیرکل سازمان جهانی عدم خشونت در جمع دانشجویان ایرانی دانش گله امریکن یونیورسیتی واشنگتن پس از رویدادهای اخیر ایران در جریان انتخابات:

* قدر مسلم اینست که دولت اسلامی از توده مردم برمی خیزد و ملاک شرعیت دولت در اسلام رضایت مردم است.

* اما قران کریم، خداوند می فرماید: **(لیقوم الناس بالقسط)** پس مردم مسؤول اداره جامعه هستند.

اما روایات به چند دسته تقسیم می شورش:

1- امی مؤمنان در مرحله نخست قبول نکردند ولایت ظاهری را، و پس از مدتی در اثر اصرار مردم قبول کردند.

علت امر در همین نکته نهفته است، چون پس از رحلت رسول گوامی اسلام مردم - به هردلیل - از جهت باورهای دینی و فکری یک لپوچه نبودند، گپوهی امام را قبول داشتند بعنوان امام و حاکم، و گپوهی (اگچه اندک) بیعت غدیر را درامامت خلاصه کردند، و گپوهی دی گو (که بیشترین افراد امت بودند) امر برایشان مشتبه شده بود و خیال می کردند اگفریب خوردند و یک مرتبه باکسی بیعت کردند این بیعت شرعیت دارد.

لذا، حضرت حد اکثر تلاش خود را برای ایجاد ثبات فکری در جامعه بکار گرفتند تا اجماع مردم براین باور تحقق یابد، ولی موفق نشدند، پس حضرت نمی توانستند یک حکومت غیرواقعی برام اسلام در جامعه حاکم نمایند، چون در اسلام واقعیتها ملاک است، نه ظواهر.

لذا حضرت ترجیح دادند مردم را به حال خود واگذار نمایند.

2- امام حسین (علیه السلام) درلپسخ اهل کوفه فرمودند: **(فان ابو علی ذلک اصبر)** یعنی اگ مردم خلافت (و حکومتی که خودشان درنامه هاشان ازمن خواستند) نخواهند (ودرواقع تغییر درباورهایشان به وجود آمده) من صبر و بردباری پیشه خواهم کرد.

3- درمود قاضی تحکیم هم روایات فراوان هست که افراد طرف نزاع باید قاضی را قبول داشته باشند و حکم او را گودن نهند.

4- درانتخاب مرجع تقلید هم همه فقهای عظام باورهای مردم را ملاک عمل به فتوا می دانند، بیان حلال زادگی، و عدالت وامثال اینها

گویای همین امر است. وبه مجرد تغییر در باورها، دیگو نمی توانند به او در نماز اقتدا کنند، به فتوای او عمل کنند، نظر او را قبول داشته باشند و چون او از عدالت خارج است.

5- از مجموع روایاتی که در مورد امامت امام معصوم وارد شده هم همین معنی گرفته می شود که: **(وکلهم مجمع علیه)** یعنی همه این پیشوایان 12 گانه مورد اجماع و قبول مردمان از جهت فکری و عدالت و تقوی و ... و همین طور هم بود باجماع مؤرخین ، موافق و مخالف. پس رضایت مردم ملاک شرعیت نظام اسلامی است.

مسئولین انقلاب هم همین امر را باور دارند.

* در مورد جعل هم چند مورد مطرح است:

اولا: همه دولتهای خاورمیانه - تاکنون - به این امر که در صندوقهای رأی باید نظر حاکم تأیید شود اجماع دارند.

ثانیا: ماکه آنجان بودیم تا صحت و سقم کلام هر یک از ایشان را بدانیم.

ثالثا: طرفین که مدعی جعل و عدم آن هستند از نظر باورهای دینی و سیاسی یکسانند، همه طرفدار انقلابند و همه فرزند این مکتب فکری هستند.

وما دلیلی نداریم که بگوئیم تصادفا امروز این راست می گوید یا آن.

آچه مورد توجه است این است که در میان مسئولین طرفدار دولت هستند کسانی که اصل تخلف از قانون را تأیید می کنند، ولی در تعیین حدود آن اختلاف دارند.

* آنها که کشته شدند در جهت دفاع از عقیده و باورهای دینی و اعتقادی خود تلاش می کردند و قطعا نزد خداوند اجر و پاداش دارند